



بعد از نهایی شدن فیلمنامه و رسیدن آن به یک خروجی جدی تازه کار خاص ترین فرد پروژه یعنی کارگردان اثر آغاز می شود. کارگردان باید در مرحله اول به همفکری تهیه کننده، مدیر تولید، دستیاران کارگردان و البته مدیران فیلم و سریال آن شبکه تلویزیونی، ترکیب بازیگران اثرش را انتخاب کند

درباره ۸ گام طلایی در مسیر ساخت یک سریال تلویزیونی، از ایده تا خروجی نهایی

صفر تا ۱۰۰ سریال سازی در تلویزیون



حسین مبارکی
خبرنگار

سریال سازی در تلویزیون سوژه این شماره از قاب کوچک شده است. مسیری که شاید به واسطه تولید برخی از سریال های ضعیف و کم کیفیت از نظر گروهی از مخاطبان، راهی بسیار سهل و بی دردسر باشد اما اهل فن می دانند که از صفر تا ۱۰۰ ساخت یک سریال تلویزیونی با کیفیت و ارزشمند، کاری به شدت دشوار و به مراتب پیچیده تر از تولید یک اثر سینمایی است.

سریال سازی یعنی یک فرآیند طولانی مدت سخت و فشرده [برخلاف روند مرسوم ساخت یک اثر سینمایی] است که از نقطه شروع تا زمان رسیدن به خروجی استرس و فشار زیادی را به تیم تولید آن وارد می کند. اما نقطه یک سریال چگونه شکل می گیرد و تا زمان تولد، چه فعل و انفعالاتی برای آن رخ می دهد؟ در ادامه این گزارش نگاهی به روند ساخت یک سریال تلویزیونی داریم و آن را در قالب هشت گام توضیح می دهیم. البته نمی توان در یک گزارش همه جزئیات این موضوع را شرح داد اما می توان از مهم ترین کلیدهای ساخت یک اثر تلویزیونی سریالی گفت.

خواندنی ها با هنر کارگردان، دیدنی می شود

۲

اما بعد از نهایی شدن فیلمنامه و رسیدن آن به یک خروجی جدی، تازه کار خاص ترین فرد پروژه یعنی کارگردان اثر آغاز می شود. کارگردان باید در مرحله اول به همفکری تهیه کننده، مدیر تولید، دستیاران کارگردان و البته مدیران فیلم و سریال آن شبکه تلویزیونی، ترکیب بازیگران اثرش را انتخاب کند. با عبور از این مرحله، نوبت به دکوپاژ کردن فیلمنامه می رسد. فیلمنامه ای که در مرحله اول توسط فیلمنامه نویس صیقل یافته حالا باید توسط کارگردان پخت و پز شود؛ به عبارت بهتر فیلمنامه اولیه فقط نسخه ای مکتوب از اثر نمایشی است که در آن توضیحات چندانی در ارتباط با جزئیات چینش دوربین ها و زاویه فیلمبرداری دوربین ها، نور صحنه و بسیاری از ریزه کاری های هنری لازم برای خلق یک پلان و سکانس وجود ندارد. این وظیفه کارگردان است که متناسب با سلیقه و دیدگاه آرتیستی خود، جزئیات فیلمنامه را مشخص کند و در اصطلاح هنری به این کار «دکوپاژ» می گویند. هر چند که در ایران تولید «استوری بُرد» برای تبدیل فیلمنامه مکتوب به قصه ای مصور چندان مرسوم نیست اما بد نیست بدانید یکی از مهم ترین مراحل ساخت فیلم و سریال در خارج از ایران، تولید «استوری بُرد» یا همان «فیلمنامه مصور» است. مسیری که بهترین راه برای رسیدن به بیان تصویری هرکنش داستان است. کارگردان کسی است که بیشترین مسؤولیت را در قبال تک تک جزئیات آن اثر نمایشی دارد به همین دلیل باید به فرآیند کلی تولید اثر دقت کند؛ فرآیندی که البته در آن نقش تهیه کننده، مدیر تولید و برخی دیگر از عوامل پشت دوربین همچون فیلمبردار و فیلمنامه نویس هم اهمیت ویژه ای دارد.

خشت اول این ساختمان، داستانی یک خطی است!

۱

همه چیز با ایده ای ساده و یک خطی شروع می شود؛ ایده ای که باید آن قدر گیرا و جذاب باشد که براساس آن بتوان طرح اولیه یک سریال را نوشت. در واقع سریال ها همچون همه محصولات نمایشی با یک داستان تک خطی خلق می شوند؛ داستانی که در مرحله بعد تبدیل به طرحی کوتاه برای معرفی خط کلی قصه و حال و هوای آن می شود. طرح ها به شکل مرسوم پیش از هرکسی به دست تهیه کنندگان می رسند و در صورت اقبال تهیه کنندگان به این طرح، در مرحله بعد به گروه های فیلم و سریال تلویزیون یا سایر مجموعه هایی که برای تلویزیون اقدام به تولید سریال می کنند، ارائه می شوند. تایید طرح در شوراهای تخصصی فیلم و سریال شبکه های تلویزیونی [یا نهادهایی همچون سازمان هنری- رسانه ای اوج یا حوزه هنری]، مرحله مقدماتی کار است. این تایید چراغ سبزی برای نگارش فیلمنامه اولیه اثر است؛ فیلمنامه ای که بعد از نگارش توسط همان فرد صاحب ایده یا فردی دیگر [انتخاب نویسنده فیلمنامه گاهی توسط خود شبکه های تلویزیون و گاهی به اختیار تهیه کننده است] بار دیگر به شورای تخصصی فیلم و سریال همان شبکه عرضه می شود تا در صورت تایید وارد مرحله بعد شود. فیلمنامه ها معمولاً در دفعه اول تایید نمی شود و خرد جمعی منجر به ارائه اصلاحاتی برای بهبود فیلمنامه می شود. نتیجه آن که فیلمنامه اولیه در چند رفت و برگشت و چکش کاری در نهایت به قوام لازم برای تولید می رسد و حالا دیگر وقت آن است که تهیه کننده و کارگردان دست به کار شوند!

مرحله سرنوشت ساز انتخاب عوامل!

۳

مهم است، نه صرفاً حضور ستاره ها، بلکه ترکیب بازیگران و تناسب آنها با نقش مورد نظر است. اتفاقی که با تصمیم کارگردان و تهیه کننده رقم می خورد. البته نباید فراموش کرد که Casting در دنیای حرفه ای صرفاً مربوط به بازیگران و نقش ها نیست؛ بلکه ترکیب درست عوامل پشت دوربین نیز تأثیر مهمی در پیشرفت و درخشش اثر دارد. چه بسا که یک تدوینگر حرفه ای توانسته بسیاری از ضعف های یک سریال را با تدوین درست پوشش دهد و در برخی موارد دیگر برعکس این ماجرا رخ داده است.

برای این موضوع استفاده کردیم؟ چون به معنی واقعی کلمه، انتخاب عوامل و تناسب آنها با نقش و کاری که بهشان سپرده می شود یا به قول اهالی سینما، «Casting»، موضوعی است که نقش مهمی در موفقیت یا شکست یک اثر نمایشی چه در تلویزیون و چه در سینما دارد. چه بسیار آثاری در سینما و تلویزیون تولید شده اند که ترکیبی از ستاره های سرشناس در مقابل دوربین آنها حاضر شدند اما کمتر کسی مشتاق دیدن این آثار بود و چه بسیار آثاری که بدون حضور هیچ کدام از ستاره ها، همچون ستاره در مقابل چشم مخاطبان درخشیدند. پس آنچه که

«کار تهیه کننده این است که هر چه از دستش برمی آید انجام دهد تا کارگردان به هدف هنری اش برسد. او یک فرد کلیدی است که از کارگردان حمایت می کند و کارگردان که باید با فشارهای فیلمسازی خود را منطبق کند؛ مورد تشویق قرار دهد.» این تعریفی است که نیکلاس تی. پروفیس در کتاب «اصول اساسی کارگردانی سینما» در ارتباط با تهیه کننده و نقش آن آورده است. در واقع تهیه کننده در این پازل نقش اصلی ترین مدیر اجرایی اثر را دارد. تهیه کننده بعد از نهایی شدن فیلمنامه، با نظر کارگردان و همکاری مدیر تولید، ترکیب بازیگران اثر را می چیند. چرا از واژه چیدن